

جستاری جامعه‌شناختی درباره
استقلال میدان
موسیقی ایرانی

بین سال‌های ۱۲۸۵-۱۳۵۷ ه.ش.



سرشناسه	: خیاطی، حسن
عنوان و نام پدیدآور	: جستاری جامعه‌شناختی درباره استقلال میدان موسیقی ایرانی بین سال‌های ۱۲۸۵-۱۳۵۷ ه. ش. پژوهشگر حسن خیاطی.
مشخصات نشر	: تهران، سرو، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۹۶ ص: نمودار.
شابک	: 978-964-8626-45-2
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: موسیقی -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: Music -- Social aspects -- Iran
موضوع	: موسیقی‌دانان ایرانی -- قرن ۱۴.
موضوع	: Musicians -- Iran -- 20th century
موضوع	: موسیقی -- ایران -- تاریخ و نقد
موضوع	: Music-- Iran -- History and criticism
موضوع	: موسیقی ایرانی -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: Music, Iranian -- Social aspects*
رده‌بندی کنگره	: ML ۳۴۴
رده‌بندی دیویی	: ۷۸۹۱۰۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۸۹۴۲۸



انتشارات سروود
تهران - میدان هفتم تیر - ابتدای بهارشیراز - شماره ۱۴
تلفن: ۸۸۸۳۶۱۰۴ و ۸۸۳۱۸۵۹۱-۲ دورنگار: ۸۸۳۰۸۹۲۴

جستاری جامعه‌شناختی
درباره استقلال میدان موسیقی ایرانی
(بین سال‌های ۱۲۸۵-۱۳۵۷ ه. ش.)
حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: مهرداد گرگین‌زاده
طرح جلد: فرنوش فصیحی
چاپ: پردیس‌دانش
صحافی: خلیج‌فارس
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰
تیراژ: ۳۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۲۶-۴۵-۲ ISBN: 978-964-8626-45-2

حق چاپ و نشر برای انتشارات سروود محفوظ است.
قیمت: ۸۰,۰۰۰ تومان

www.sorood.ir

پیش‌گفتار	۴
مقدمه	۱۳
امکان‌های تازه در دوره مشروطه و پس از آن	۱۸
بازار	۱۹
میدان قدرت و رویکرد توسعه از بالا:	۲۱
فصل اول: گذار از دربار به جامعه	۲۵
بخش اول: روندهای اجتماعی پس از مشروطه	۲۵
اقتصاد	۲۵
ساختار اجتماعی	۲۹
میدان قدرت	۳۱
فرهنگ	۳۳
بخش دوم: وضعیت اجتماعی موسیقی‌دانان	۳۶
بخش سوم: گذار از دربار به جامعه	۳۹
نهاد دوره قدیم	۴۶
خلاصه فصل اول	۵۴
فصل دوم: برآمدن میدان موسیقی ایرانی	۵۶
بخش اول: دوره رضا پهلوی	۵۶
اقتصاد و بازار	۵۶

فهرست ♦ ۹

۵۷ میدان قدرت
۶۱ شبکه‌های اجتماعی
۶۳ مواجهه سنجش‌گرایانه
۶۷ مواجهه اکتسابی
۶۹ مواجهه تقابلی
۷۰ بخش دوم: وضعیت اجتماعی موسیقی‌دانان
۷۰ روحیه غرب‌گرایانه و پیامدهای آن
۷۲ تفکیک در عرصه فرهنگ
۷۶ بوروکراسی دولتی
۷۶ رادیو: رسانه پرنفوذ دولت
۸۰ بخش سوم
۸۰ فضای اجتماعی دوره رضاخان؛ نهادها و کارگزاران اصلی میدان موسیقی ...
۸۲ فضای اجتماعی و جایگاه کنشگران در میدان
۸۶ جایگاه درویش
۸۷ گفتمان و جایگاه وزیری
۸۹ گفتمان وزیری
۹۴ راهبرد وزیری
۹۶ عادت‌واره وزیری
۹۷ جایگاه وزیری در میدان
۹۹ جایگاه عارف
۱۰۴ موضع خالقی
۱۰۷ عادت‌واره خالقی
۱۱۰ استقلال میدان موسیقی
۱۱۲ جدال‌های میدان موسیقی ایرانی
۱۱۴ خلاصه فصل دوم

فصل سوم: میدان و فضای اجتماعی دهه بیست	۱۱۶
بخش اول	۱۱۶
اقتصاد دوران جنگ و پس از آن	۱۱۶
محافظه‌کاران	۱۱۹
اكتسابی‌ها	۱۱۹
سنتی‌ها	۱۲۰
شبکه‌ها و نیروهای اجتماعی	۱۲۱
نقش و جایگاه دولت	۱۲۳
بخش دوم	۱۲۵
ساختار فرهنگی و اجتماعی	۱۲۵
طبقه متوسط جدید و شبکه‌های اجتماعی	۱۲۶
نهادمندی و بازگشت نیروی سرکوب شده	۱۳۱
نقش دولت	۱۳۳
رادیو	۱۳۵
بخش سوم: موقعیت میدان موسیقی ایرانی در فضای اجتماعی	۱۴۱
سرمایه‌های میدان	۱۴۳
سرمایه دولتی	۱۴۴
جایگاه‌های مهم میدان	۱۴۶
ذات‌گرایی اشراف‌سالارانه	۱۴۷
جایگاه صبا	۱۴۸
جدال‌های درون میدان	۱۵۰
خلاصه فصل سوم	۱۵۲
فصل چهارم: کشمکش میدان قدرت و میدان موسیقی ایرانی	۱۵۳
بخش اول: دوره پس از کودتا	۱۵۳
طبقه متوسط	۱۵۳

۱۵۷ میدان قدرت و دربار پهلوی
۱۶۱ بخش دوم: دوره پس از کودتا
۱۶۵ بخش سوم: دوره انتقالی
۱۶۹ میدان موسیقی ایرانی: دربار و شبکه هنرمندان
۱۷۱ استقلال میدان موسیقی: رادیو و تلویزیون
۱۷۱ نقش دولت در میدان موسیقی
۱۷۲ ذائقه موسیقی در میدان موسیقی ایرانی
۱۷۵ نگرش در میدان موسیقی ایرانی: مقدمه‌ای بر کشمکش‌های هنری دوره بعد
۱۸۰ موقعیت صبا در میدان موسیقی ایرانی
۱۸۳ خلاصه فصل چهارم
۱۸۵ فصل پنجم: میدان موسیقی ایرانی درون میدان قدرت
۱۸۵ بخش اول: دوره اصلی حکومت محمدرضا پهلوی
۱۸۷ اصلاحات ارضی
۱۸۸ گروه‌ها و نیروهای اجتماعی
۱۹۰ سرمایه‌داران وابسته (شبکه دولتی)
۱۹۳ جایگاه جناح مسلط در میدان قدرت (دولت)
۱۹۴ طبقه متوسط جدید
۱۹۸ نیروی بومی
۲۰۰ شکاف‌های اجتماعی
۲۰۱ سیاست و فرهنگ
۲۰۴ بخش دوم: دوره محمدرضا پهلوی
۲۰۴ اقتصاد فرهنگ: شبکه‌های اجتماعی جدید و موسیقی عامه‌پسند
۲۱۱ توجه شرق‌شناسانه
۲۲۰ میدان قدرت
۲۲۴ غرب‌گرایی

۲۲۷	بخش سوم: میدان موسیقی، میدان اقتصادی و میدان قدرت
۲۲۷	میدان اقتصادی: بازار
۲۲۹	فرم میدان
۲۳۱	کشمکش‌های میدان
۲۳۵	استقلال میدان
۲۳۶	گفتمان‌های میدان
۲۴۴	گفتمان غم در موسیقی ایرانی
۲۴۸	گفتمان متفاوت مرکز حفظ و اشاعه
۲۵۰	بازگشت به میراث پیش از مشروطه
۲۵۳	خلاصه فصل پنجم
۲۵۴	فصل هشتم: یک جمع‌بندی
۲۵۴	دگرگونی‌های میدان
۲۵۵	نقش دولت و میدان قدرت
۲۵۷	بسط و گسترش نهادی
۲۵۹	سخن پایانی
۲۶۲	ضمیمه: مبانی نظریه بوردیو
۲۹۱	منابع فارسی
۲۹۵	منابع انگلیسی

پیش‌گفتار

پیش‌فرض ذهنی نگارنده همیشه این بود که سامان جامعه ایرانی پیش و پس از مشروطه تفاوت‌هایی اساسی با هم داشته‌اند. به زبانی ساده، و شاید ساده‌انگارانه، پیش از مشروطه ساختی از جامعه که برای احوال اجتماعی اهل هنر موسیقی اساسی است به شکل درباری است که سامان اجتماعی اهل موسیقی حول آن قرار گرفته است؛ همچون یک دایره با دربار در مرکز آن. ظواهر امر نشان می‌داد که انقلاب مشروطه و رویدادهای منتهی به آن این سامان را دگرگون کرد. پرسش نگارنده همیشه این بود که این دگرگونی چه ویژگی‌ای داشت و چه بر سر سامان اجتماعی هنر موسیقی آورد. جستار حاضر تلاشی است برای پاسخگویی به همین پرسش. تلاش شده است با کاربرد نظریه و رجوع به واقعیت‌های تاریخی از ورطه ساده‌انگاری دور بمانیم. در همین باره، برای ردیابی احوال اجتماعی اهل هنر موسیقی پس از دوره مشروطه، مفاهیم نظری «میدان موسیقی» و «استقلال آن» کارگر و راه‌گشا بوده است.

نگارنده لازم می‌داند پیش از بیان مطالب اصلی این جستار نکاتی را به اختصار با خواننده در میان بگذارد. متن اصلی کتاب حاضر، طرح پیشنهادی (پروپوزال) دوره تحصیلات تکمیلی است که مواردی از آن، براساس مطالعه‌های اولیه، گسترش پیدا کرده است. در بررسی بسیاری از موضوعات تاریخی دوره معاصر، مدارک مبسوطی در دسترس نیستند، از همین رو، نمی‌توان با جزئیات مناسب، رویدادهای این دوره و نگرش کنشگران موسیقی ایرانی را در حوزه‌های مختلف بررسی کرد، در نتیجه تعیین جایگاه جامعه‌شناختی آن‌ها هم دشوار

است. این نیز شایان یادآوری است که محقق دچار محدودیت‌های آشنای کسانی است که به خاطر میل به دانستن و دریافتن مسائلی دست به پژوهش میزنند که اولویت ملموس زندگی آن‌ها است، و بنابراین، به جای حساب سود و زیان، یکسره علاقه‌مند راه خویش می‌شوند. پرداختن و سخن گفتن از این محدودیت‌ها به گمان نگارنده دستورکار جامعه‌شناسی علم و معرفت است و روایت صرف مطالب کمتر راه‌گشاست. به هر حال، برخی از این محدودیت‌ها ممکن است در تعریف مواردی مانند میدان، جایگاه کنشگران در میدان و... اثر گذاشته باشد. مثل هر کردار علمی این نوشتار نیز داعیه به دست دادن تعریفی همه‌جانبه از میدان موسیقی ایرانی را ندارد. بدیهی است تکرار کردارهای علمی مشابه دید واقع‌بینانه‌تری را از میدان موسیقی ایرانی به وجود می‌آورد. به خاطر محدودیت تحقیق، در بسیاری از موارد ارجاعات مبسوط نیست و از منابع دست دوم برای تحلیل استفاده شده است. به خصوص این‌که، پژوهش‌بخش تحلیل‌های کلان اجتماعی به شیوه فراتحلیل است. خواننده آگاه به راحتی پی خواهد برد که هر کدام از نظریات مطرح در این پژوهش با الگوواره‌های فکری مختلفی پیوند دارند؛ به همین دلیل، کوشش شده است مواردی مطرح شوند که از مقبولیت کلی علمی برخوردارند تا از سوگیری‌های خاص نظری اجتناب شود. در هر صورت، باید اذعان کرد که ایده‌های مد نظر نگارنده، گاه بدون پرداختی که حاصل تعامل رفت‌وبرگشتی بین داده‌ها و نظریه‌هاست، بیان شده‌اند. محدودیت‌های تحقیق نیز جزئی از کنش علمی است و مثل هر کنش علمی دیگر، جای‌گیری محقق در فضای کنش علمی جزئی از کنش علمی در نظر گرفته شده است. در این کتاب، با این‌که از سبک‌های دیگر موسیقی نیز یاد شده است، اما، تمرکز اصلی بر موسیقی ایرانی و رویدادهای خاص موسیقی شهر تهران است. در مواردی که از وضعیت سبک‌های موسیقی غیرایرانی یاد شده است، هدف ترسیم فضایی کامل‌تر برای وضعیت موسیقی ایرانی بوده است. از دل وضعیت اجتماعی موسیقی ایرانی هم، آن مواردی مد نظر بوده که در ترسیم «میدان» موسیقی ایرانی اثر «مستقیم» داشته است. برای مثال، فقدان حضور خاندان فراهانی در بررسی‌های کتاب را باید از این منظر دید. این کتاب، «جستاری جامعه‌شناختی» از پژوهش نویسنده درباره موسیقی ایرانی این دوره است که بر آن نیست دیدی ثابت و بدون تغییر را برای (تبیین جامعه‌شناختی)

موسیقی ایرانی ارائه کند. دسترسی به داده‌های بیشتر و غنی‌تر، و به مراتب بیش از این، مواجهه با نقد در حوزه عمومی جامعه‌شناسی موسیقی، قطعاً بر چنین پژوهش‌هایی اثر خواهد گذاشت و نگاه و نتیجه‌گیری حاکم بر آن را واقع‌بینانه‌تر و کاربردی‌تر خواهد کرد. اثر حاضر، با همه کم‌وکاستی‌ای که دارد، پژوهشی در حوزه «جامعه‌شناسی» است ولی مخاطب آن نه لزوماً جامعه‌شناسان بلکه هنرمندان هم هستند. بنابراین، شاید خالی از فایده نباشد که رابطه (گاه) بیرونی جامعه‌شناس با هنر (در این جا موسیقی) را با همدلی بیشتری مد نظر قرار دهیم. بخشی از نقدهایی که از بیرون رشته جامعه‌شناسی به جامعه‌شناسی موسیقی وارد می‌شود مربوط به هنرمندانی است که ماحصل کار جامعه‌شناسی هنر را تقلیل‌دهنده می‌پندارند. شاید هیچ چیز برای هنرمند از این گران‌تر نباشد که ماهیت کار او را با منافع اقتصادی و اجتماعی پیوند دهند. جامعه‌شناس مطرح آلمانی، نوربرت الیاس، در جواب این دسته از منتقدان چنین می‌گوید: «اغلب مردم جامعه‌شناسی را یک رشته تخریب‌کننده و تقلیل‌دهنده می‌پندارند. من موافق نیستم. جامعه‌شناسی، برای من، علمی است که باید به ما در فهم بهتر آنچه که در زندگی اجتماعی قابل فهم نیست کمک کند و آن را تبیین کند. ... هدف من تخریب نبوغ [هنرمند] یا تقلیل آن به چیزی دیگر نیست، بلکه می‌خواهم وضعیت انسانی آن را فهمیدنی‌تر کنم و شاید سهم ناچیزی در پاسخ به این پرسش ایفا کنم که برای جلوگیری از تکرار تقدیر هنرمندانی همچون موتسارت چه باید کرد» (Elias, 1993, p. 14). موضع نگارنده نیز چنین است. از نظر نگارنده آسیب‌شناسی اجتماعی فعالیت هنری میسر نمی‌شود مگر این که آن را در کلیت اجتماعی‌اش (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) در نظر بگیریم. خواننده می‌تواند نیمه خالی لیوان را که می‌پندارد تقلیل‌دهنده است ببیند، یا نیمه پر آن را که به ما کمک می‌کند با تلاش برای فهم فعالیت‌های هنری از آن آسیب‌زدایی کنیم.

فصول کتاب حاضر از سه بخش کلی تشکیل شده است. در بخش اول، برای فراهم آوردن بستر تحلیل جامعه‌شناختی، کلیات اجتماعی در هر دوره بررسی شده‌اند. در بخش دوم، با نگاهی کلی به شرایط اجتماعی و جامعه‌شناختی هنرمندان تلاش شده است وضعیت هنرمندان موسیقی در بستر کلیات اجتماعی آن مد نظر قرار گیرد تا بدین ترتیب، ضمن یادآوری شرایط اجتماعی هنرمندان

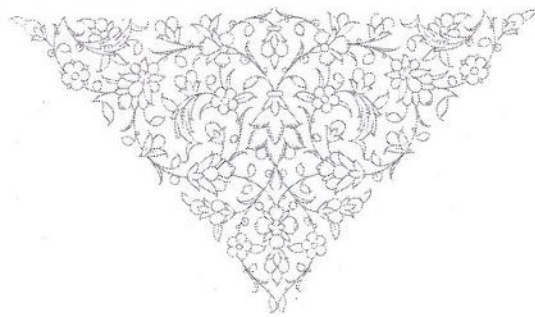
بیش‌گفتار ✦ ۷

زمینه برای بخش اصلی کتاب، یعنی بخش سوم، فراهم شود. در بخش سه، میدان موسیقی اجتماعی معرفی و سرگذشت جامعه‌شناختی آن طی دوره بین دو انقلاب بررسی می‌شود. چارچوب نظری اصلی در پژوهش حاضر برگرفته از نظریات پی‌یر بوردیو، جامعه‌شناس فرانسوی، است که البته در این پژوهش صرفاً به الگوی نظری او اکتفا نشده است، ولی با این حال، به دلیل این که شاید مخاطب کتاب با نظریات او آشنا نباشد و یا کنجکاو باشد تا درباره او بیشتر بداند، ضمیمه‌ای به کتاب افزوده شده است. این ضمیمه ترجمه‌ای خلاصه و آزاد از فصل اول کتاب «An introduction to the work of Pierre Bourdieu» است که با این که ظرایف نظریه میدان بوردیو را به طور کامل بیان نمی‌کند، اما، برای خواننده ناآشنا با نظریه بوردیو، شروع مناسبی است. این پژوهش حاصل تعامل نظریه و داده‌های تجربی است، با این حال، قصد کتاب حاضر شرح نظری این تعامل و چالش‌های آن نیست.

بهار ۱۳۹۴

نظم جامعه ایرانی پیش و پس از مشروطه تفاوت‌هایی اساسی با هم دارند. پیش از مشروطه ساختی از جامعه که برای احوال اجتماعی اهل هنر موسیقی اساسی است به شکل درباری است که سامان اجتماعی اهل موسیقی حول آن قرار گرفته است؛ همچون یک دایره با دربار در مرکز آن. ظواهر امر نشان می‌داد که انقلاب مشروطه و رویدادهای منتهی به آن این سامان را دگرگون کرد. پرسش نگارنده در این کتاب این است که این دگرگونی چه ویژگی‌ای داشت و چه بر سر سامان اجتماعی هنر موسیقی آورد. جستار حاضر تلاشی است برای پاسخ‌گویی به همین پرسش.

فصول کتاب حاضر از سه بخش کلی تشکیل شده است. در بخش اول، برای فراهم آوردن بستر تحلیل جامعه‌شناختی، کلیات اجتماعی ادوار مختلف بین دو انقلاب بررسی شده‌اند. در بخش دوم، با نگاهی کلی به شرایط اجتماعی و جامعه‌شناختی هنرمندان تلاش شده است وضعیت هنرمندان موسیقی در بستر کلیات اجتماعی آن مد نظر قرار گیرد تا بدین ترتیب، ضمن یادآوری شرایط اجتماعی هنرمندان زمینه برای بخش اصلی کتاب، یعنی بخش سوم، فراهم شود. در بخش سه، میدان موسیقی ایرانی معرفی و سرگذشت جامعه‌شناختی آن طی دوره بین دو انقلاب بررسی می‌شود.



انتشارات سرود

ISBN : 978-964-8626-45-2



9 789648 626452



مرکز موسیقی بتهوون شیراز